

## ساختمان فعل در گویش تاتی خلخال

دکتر جهان دوست سبزه‌علیپور

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی رشت

### چکیده:

گویش تاتی یکی از گویش‌های شمال غربی ایران است، که در نقاط مختلفی از ایران و خارج از آن رواج دارد. این گویش بسیاری از ویژگی‌های کهن زبانی را حفظ کرده است، ارتباط تاتی با زبان قدیم آذربایجان، آن را مستعد توجه بیشتری کرده، اما آن چنان که باید مورد بررسی دقیق و علمی قرار نگرفته است. گویش تاتی به طور کلی به دو دسته شمالی و جنوبی تقسیم شده است.

آنچه در این مقاله آمده، ساختمان فعل تاتی بر مبنای گونه دروی (dərav-i) از بخش شاهرود خلخال است. در ساخت فعل این گویش، ریشه، ماده (ماده مضارع، ماده ماضی، ماده مجهول، ماده سببی و ماده جعلی)، فعل لازم و معلوم، وندهای مختلف فعل، زمان فعل، فعل امر، تغییرات آوایی ریشه و ماده، مصدر، صفت مفعولی و فعل‌های معین و شبه معین بررسی شده است. در قسمت‌هایی از مقاله، هر جا که لازم بوده بحث نحوی نیز ارائه شده است.

حفظ وجه تمنایی در چند ساخت جداگانه، استفاده از دو ماضی نقلی غیرمحقق، بنای ماضی استمراری بر ماده مضارع، استفاده از وند نفی -ma، استفاده از شانزده ساخت برای بیان زمان‌های مختلف ماضی و مضارع، گردش مصوت، ساخت ارگتیو، ماده مجهول و ... از ویژگی‌های فعل تاتی است. در این گویش برای بیان آینده ساخت ویژه‌ای وجود ندارد و از مضارع اخباری برای بیان آینده استفاده می‌شود. تعدادی از ویژگی‌های کهن این گویش در حال فراموشی است، این در حالی است که بسیاری از گونه‌های تاتی خلخال حتی جمع‌آوری و توصیف نشده‌اند.

### کلید واژه‌ها:

گویش تاتی، ساخت فعل، تاتی خلخال، ماده فعل، زمان فعل.

## ۱- مقدمه

گویش تاتی یکی گویش‌های شمال‌غربی ایران است، که در نقاط مختلفی از ایران و خارج از ایران رواج دارد. این گویش که بسیاری از ویژگی‌های کهن زبانی<sup>۱</sup> از جمله ساخت ارگتیو، تمایز دستوری جنس مونث، گردش مصوت، ماده مجهول و ... را حفظ کرده است، آن‌چنان‌که باید مورد بررسی دقیق و علمی قرار نگرفته است. گویش‌های تاتی به دو دسته تاتی شمالی و تاتی جنوبی تقسیم شده است.

**الف: تاتی شمالی** در خارج از ایران، در داغستان (در بند)، منتهی‌الیه شمال شرقی جمهوری آذربایجان در قفقاز، در شبه جزیره آپشرون، باکو، سوراخانی و مناطقی دیگر رواج دارد و به چند دسته قابل تقسیم‌اند: ۱- تات‌های مسلمان، ۲- تات‌های کلیمی که خود را «داغ جوودی» (یهودی کوهستانی) می‌نامند و اغلب در داغستان زندگی می‌کنند، ۳- تات‌های مسیحی ارمنستان و شمال شرقی آذربایجان (دیویچی، لایخ و شبه جزیره آپشرون در شرق باکو (اشمیت، ۱۳۸۳: ۴۸۹).

**ب: تاتی جنوبی**<sup>۲</sup> در نواحی مختلف زیر در ایران رواج دارد: ۱- مناطقی در جنوب غرب قزوین (یارشاطر، ۱۹۶۹: ۱۷-۱۸)؛ ۲- اشتهارد کرج (همان)؛ ۳- دو بخش شاهرود و خورش‌رستم خلخال؛ ۴- طارم علیا و خویین، در شصت کیلومتری جنوب غربی استان زنجان (همان: ۱۷). ۵- هرزند، دیزمار، کرینگان، کلیر و مناطقی دیگر در آذربایجان شرقی (اصغری، ۱۳۸۵)؛ ۶- شمال خراسان، جلگه شوغان و منطقه چهارده سنخواست (صفرزاده، ۱۳۸۲: ۲۳)؛ ۷- بخش جیرنده و بخش فاراب رودبار<sup>۳</sup>.

آنچه در این مقاله آمده بررسی ساختمان فعل تاتی بر مبنای گونه دروی (dərav-i) از بخش شاهرود خلخال است. این روستا که در بیست و پنج کیلومتری جنوب غربی خلخال واقع است، در حال حاضر دارای ۲۰۲ خانوار و ۵۶۷ نفر جمعیت (درگاه ملی آمار، — کتابنامه) است. نگارنده این مقاله خود از گویشوران گونه دوری است و بخشی از مواد زبانی این تحقیق از پایان‌نامه دکتری نگارنده است (— کتابنامه).

## ۲- پیشینه تحقیق

یارشاطر در مقاله «The Dialect of Shahrood (Khalkhal)» (1960) ویژگی‌های بسیار کلی تاتی خلخال را بر مبنای گونه کلوری و شالی ذکر کرده است؛ همو در مقاله «The Tati Dialect of Kajal» (1959) به ذکر نکاتی در زمینه ساخت فعل تاتی کجلی پرداخته است. ماری آرادگلی (۱۳۴۹) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی به بررسی واج‌شناسی گونه کجل پرداخته است. یحیی‌زاده

۱- تمایز دستوری جنس مونث در گونه دروی وجود ندارد، اما در گونه‌های لردی، کجلی، کرتقی و کزینی این تمایز حفظ شده است.

۲- معتبرترین تحقیق در زمینه تاتی جنوبی، از یارشاطر (1960)، به نام *A Grammar of Southern Tati Dialects* است.

۳- نگارنده مقاله، کتابی با عنوان «زبان تاتی رودبار (توصیف گویش انبوه)» نوشته است که در مجموعه دانش‌نامه فرهنگ تمدن گیلان و در انتشارات فرهنگ ایلپای رشت به زودی چاپ خواهد شد.

در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود (۱۳۸۲) نکات مفیدی درباره تاتی کلوری بیان نموده است. رضایتی کیشه‌خاله و سبزعلیپور در مقاله «ساخت ارگتیو در گویش تاتی خلخال» (۱۳۸۶) به ذکر ویژگی‌های ساخت مورد نظر در آن گویش پرداخته‌اند. سبزعلیپور (۱۳۸۸) در پایان‌نامه دکتری، به بررسی تطبیقی ساخت فعل سه گویش تاتی، تالشی و گیلکی پرداخته است. رضایتی کیشه‌خاله و سبزعلیپور (۱۳۸۷) در مقاله «ریشه و ماده فعل در گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی» ماده فعل تاتی را در کنار دو گویش دیگر بررسی کرده‌اند. معراجی‌لرد (۱۳۸۸) در «فرهنگ موضوعی تاتی به فارسی» واژه‌های تاتی خلخال را بر مبنای گونه لردی (lörd-i) جمع‌آوری نموده است.

### ۳- ریشه فعل

ریشه<sup>۴</sup> افعال در تاتی در مواردی که قابل شناسایی است، دو صورت دارد: ضعیف و قوی. ریشه ضعیف صورتی از ریشه است که /-â-/ ندارد و ریشه قوی صورتی است که /-â-/ دارد. از ریشه قوی غالباً برای ساخت فعل‌های سببی و از ریشه ضعیف برای فعل‌های مجهول و لازم و مواقعی هم برای ساخت فعل واداری استفاده می‌شود. در زیر نمونه‌هایی از ریشه ضعیف و قوی تاتی ذکر می‌شود:

ریشه ضعیف		ریشه قوی	
گشتن	gard-əs-en	گرداندن	gârd-ən-əs-en
ترسیدن	tars-əs-en	ترساند	târs-ən-əs-en
روشن بودن	vaš-əs-en	روشن کردن	vaš-ən-əs-en

چند نمونه از افعال سببی، لازم و مجهول: gard-ə (می‌چرخد)، gârd-ân-isa (چرخانده شده است)، čar-ə (می‌چرد) و čâr-nisa (چرانیده شده است).

### ۴- ماده فعل

در گویش تاتی ماده مضارع، ماده ماضی، ماده مجهول، ماده جعلی و ماده سببی (واداری) وجود دارد. در فعل‌های تاتی، ماده فعل با افزودن جزیی به ریشه ساخته می‌شود (رضایتی کیشه‌خاله، سبزعلیپور، ۱۳۸۸).

### ۱-۴ ماده مضارع

ماده مضارع جزء ثابت فعل در ساخت‌های مضارع اخباری، مضارع التزامی، مضارع تمنایی<sup>۵</sup>، ماضی استمراری، ماضی استمراری تمنایی، ماضی مستمر، مضارع مستمر، امر و صفت فاعلی است، تنها نشانه ویژه‌ای که ماده مضارع در گویش تاتی دارد، /-n-/ و در چند مورد نادر /-nj-/ است. چند نمونه: sun/ su<sup>۶</sup> از مصدر su-en (ساییدن)، kærn/ kəri از مصدر kəri-en (کشیدن روی زمین)، pe-vsənj/ pe-vsəs از مصدر pe-vsəs-en (گسستن)، da-škən/da-škəs از مصدر da-škəs-en (شکستن در چیزی).

۴- هرگونه ارائه نظر درباره ریشه فعل تاتی در این مقاله، بر اساس تعداد ریشه‌هایی است که در تاتی موجود و شناخته شده‌اند. برای تعریف ریشه نک: ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۴۶.

۵ - uptative

۶- در این مورد و هرجای دیگر این مقاله، ماده سمت راست علامت ممیز " / " ماده ماضی و دیگری ماده مضارع است.

## ۴-۲ ماده ماضی

ماده ماضی جزء ثابت فعل در ساخت‌های ماضی (به استثنای ماضی استمراری، ماضی استمراری تمنایی و ماضی مستمر)، صفت مفعولی و مصدر است. در تاتی ماده ماضی از ریشه فعل - که در اغلب موارد همان ماده مضارع است- به اضافهٔ پسوندهای ماضی ساز *-d, -t, -i, -Ø, -(əS/SS/S)t* به دست می‌آید. ساخت اصلی ماده ماضی با پسوند *-d, -t* (باقی مانده از پسوند صفت مفعولی */\*-ta* ایرانی باستان و *-d, -t* پارتی) است (← رضایی باغبیدی، ۱۳۸۵: ۱۱۴) و ساخت‌های دیگر که امروزه بیشتر استفاده می‌شود، ثانوی به نظر می‌رسند.

شکل اصلی ماده‌های ماضی در تاتی از پیوستن */-t/* و */-d/* به آخر ریشه یا ماده‌های مضارع ساخته می‌شود و پیوستن این نشانه‌ها اغلب موجب تغییرات آوایی ریشه یا ماده مضارع می‌گردد. علاوه بر ساخت فوق، شکل‌های دیگری نیز از ماده‌های ماضی در تاتی وجود دارد که امروزه کاربرد بیشتری پیدا کرده‌اند. این ماده‌ها، در حقیقت شکل ثانوی یا ماده جعلی محسوب می‌شوند.

ماده‌های ماضی تاتی را به دو نوع اصلی و جعلی می‌توان تقسیم کرد. ماده ماضی اصلی که اغلب با ماده مضارع هم‌ریشه خود، امروزه رابطهٔ قیاسی استواری ندارد و ماده ماضی جعلی که دو نشانهٔ عمده دارد: */-i/* و */-st/*. نشانهٔ دوم (*-st*) در تاتی، ضمن آنکه کاربرد بیشتری دارد، بین ریشه یا ماده مضارع و افزونه ماده‌ساز قرار می‌گیرد. در اینجا نمونه‌هایی از ماده‌های ماضی اصلی (مختوم به *-t/-d*) ذکر می‌شود:

الف) ماده‌های ماضی مختوم به */-t/*: این نوع از ماده‌ها در دروی اندک‌اند، اما در تاتی کجلی<sup>۷</sup> تعداد آنها زیاد است: *nəš-/nəšt-* از مصدر *nəšt-en* (نشستن)، *kəš-/kəšt-* از مصدر *kəšt-en* (ساییدن)،  
ب) ماده‌های ماضی مختوم به */-d/*: *bar/ bard-* از مصدر *bard-en* (بردن)، *kar-/ kard-* از مصدر *kard-en* (کردن).

گرچه رابطهٔ دستوری بیشتر ماده‌های ماضی اصلی با ماده‌های مضارع هم‌ریشه آنها ظاهراً گسسته است، با این حال، بین این ماده‌ها نوعی رابطه برقرار است و از این نظر به صورتهای زیر قابل طبقه‌بندی‌اند:  
۱) با افزودن نشانهٔ ماضی ساز */-t/-d/* به ماده مضارع، صامت آخر این ماده حذف می‌شود. در این صورت، ماده مضارع اغلب مختوم به */-j/* است: *â-muj-/â-mut-* از مصدر *â-mut-en* (آموختن)، *duj-/dut-* از مصدر *dut-en* (دوختن)، *məj-/mət-* از مصدر *mət-en* (قدم زدن)، *pej-/pat-* از مصدر *pat-en* (پختن).  
۲) با افزودن نشانهٔ ماضی ساز */-t/-d/* به ماده مضارع، صامت آخر و در مواردی دو صامت آخر ماده مضارع دچار تغییرات آوایی می‌شوند: *xəruš-/xərut-* از مصدر *xərut-en* (فروختن)، *bâz-/bâxt-* از مصدر

۷- کجلی *kajali* گونه‌ای از تاتی خلخال است که در روستای کجل از توابع هشتجین خلخال رایج است. و نگارنده در پایان‌نامهٔ دکترای خود (سبزه‌لیپور، ۱۳۸۸) به ساخت فعل آن گونه در کنار دیگر گونه‌ها پرداخته است، و یارشاطر در مقالهٔ "The Tati Dialect of Kajal" این گونه را توصیف کرده است (Yarshater, 1960).

bâxt-en (باختن)، dâr-/ dâšt- از مصدر dâšt-en (داشتن)، hašt- / harz- از مصدر hašt-en (اجازه دادن)، diyas- / diyašt- از مصدر diyašt-en (نگریستن).

علاوه بر ماده‌های ماضی اصلی، ماده‌های جعلی نیز در تاتی وجود دارند که با افزودن نشانه‌هایی به آخر ماده مضارع و برخی اسم‌ها و صفت‌ها ساخته می‌شوند.<sup>۸</sup> این نشانه‌ها عبارت‌اند از -əs (و گونه‌های -ss- و -i- که چند مثال از آنها ذکر می‌شود: -tərak-/tərakəs- از مصدر tərak-əs-en (ترکیدن)، -kuss- /kuss-en از مصدر kuss-en (کوبیدن)، -bey-/ beys- از مصدر beys-en (فروختن)، -bər-/ bəri- از مصدر bəri-en (بریدن).

#### ۳-۴ ماده مجهول

ماده مجهول جزء ثابت فعل‌های مجهول است. ماده مجهول از ماده مضارع به همراه وند -i- (در زبان پهلوی -ih-) ساخته می‌شود و برای ساخت مجهول مضارع و بعضی از فعل‌های لازم مضارع به کار می‌رود. فعل مجهول ماضی از ماده مجهول به اضافه پسوندهای ماضی‌ساز به دست می‌آید. و برای ساخت فعل‌های مجهول ماضی و بعضی از فعل‌های لازم به کار می‌رود، در تاتی بعضی از فعل‌های مجهول ماضی و مضارع معنی لازم نیز می‌دهند:

معنی	مجهول مضارع	معنی	مجهول ماضی
کنده می‌شود	kan-i	کنده شد	bə-kan-is
پاره می‌شود	zar-i	پاره شد	bə-zar-is
بسته (منجمد) می‌شود	bey-i	منجمد شد	bə-bey-is

از ماده مجهول تاتی در ساخت صفت مفعولی نیز استفاده می‌شود، مانند: vaj-isa (یافته شده، کنده شده)، bər-isa (بریده شده).

#### ۴-۴ ماده جعلی

ماده جعلی<sup>۹</sup> در تاتی دو نشانه عمده دارد: /-i/ و /-(ə)s/. نشانه دوم که اغلب با اسم همراه است، در تاتی کاربرد گسترده‌تری دارد و بیشتر با واج میانجی -ə- همراه است: fam-əs-en (فهمیدن) و jang-əs-en (جنگیدن).

۸- سابقه استفاده از نشانه ماضی‌ساز /-əst/ به دوره میانه زبان‌های ایرانی گروه غربی می‌رسد (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳، ۱۷). در آثار اولیه فارسی دری، این نشانه به صورت -est (ست) در ساختمان برخی از فعل‌ها دیده می‌شود و مواردی محدود به زبان فارسی امروز نیز رسیده است. مانند: توانستن، زیستن، گریستن، و... اما این نوع فعل‌ها در فارسی دری زایایی چندانی نداشته و احتمالاً شواهد اندک آن از راه دیگر گویش‌های ایرانی به متون فارسی راه یافته‌اند (رضایتی کیشه‌خاله-سبزیپور، ۱۳۸۷: ۱۲۶).  
 ۹- ماده جعلی از اسم، صفت یا حتی حرف اضافه ساخته شده است. مثلاً در پهلوی: abāg-ēn-ēd (همراهی می‌کند) از abāg حرف اضافه و "با" ساخته شده است (آموزگار، تفضلی، ۱۳۸۲: ۸۲).

## ۴-۵ ماده سببی (واداری)

ماده سببی در تاتی، با استفاده از وندهای سببی و نوعی گردش مصوت به دست می‌آید. وندهای سببی دو دسته‌اند: -ân, -ən, -âvən- (از -aya-na- ایرانی باستان) -ân-, -ən با ریشه قوی و -âvən- با ریشه ضعیف می‌آید: larz-əs-en (لرزیدن) / lârz-ân-əs-en (لرزاندن)، gard-əs-en (گشتن) / gârd-ân-əs-en (گرداندن)، âsrang-əs-en (دلسرده شدن) / âsrang-âvən-əs-en (دلسرده کردن). xur-əs-en (خندیدن) / xur-âvən-əs-en (خنداندن)، vašt-en (پزیدن) / vâz-ən-əs-en (پزاندن).

## ۴-۶ تغییرات آوایی ریشه، ماده و وندهای فعل

با اتصال وندهای مختلف به ریشه و ماده فعل، تغییرات آوایی خاصی در فعل صورت می‌گیرد که در زیر به مهمترین آنها اشاره می‌شود:

الف: وقتی وند تصرفی -b(v) به فعل آغاز شده با همخوان /v/, /h/ می‌پیوندد، این دو همخوان از آغاز ماده حذف می‌شوند<sup>۱۰</sup>، با این تفاوت که همخوان /v/ در نفی و نهی برمی‌گردد ولی دیگری بر نمی‌گردد:

معنی	مصدر	ماده مضارع	ماده ماضی	فعل امر مفرد	فعل نهی مفرد
برخاستن	hašt-en	hayz-	hašt-	bayz (* <bə-hayz)	mayz
گفتن	vât-en	vâj-	vât-	bâj (* <bə-vâj)	ma-vâj

ب: از امر مفرد بعضی از فعل‌هایی که ماده مضارع آنها مختوم به -r- است، همخوان -r- حذف می‌گردد، اما در صیغه جمع فعل‌های فوق همخوان /-r/ برمی‌گردد:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر	امر جمع
کردن	kard-en	kar-	bə-ka	bə-kar-a
بیرون آوردن	bar-vârd-en	bar-vâr-	bar-vâ	bar-vâr-a

## ۴-۶-۳-۵ مصدر

مصدر در تاتی از ماده ماضی به علاوه وند مصدری (e)n- به دست می‌آید. گاهی واج میانجی -[y]- بین ماده و وند مصدری ظاهر می‌شود: šil[y]-en (رفتن)، vârd-en (آوردن). مصدرهایی نیز هستند که ماده‌شان به واکه ختم می‌شود، اما بدون واج میانجی می‌آیند، و از این می‌توان نتیجه گرفت احتمالاً در گذشته واج میانجی در چنین جایگاهی وجود نداشته است. مثل: مصدر zen ماده ماضی -za (زدن)، مصدر nân، ماده ماضی nâ (گذاشتن). مصدر تاتی از نظر ساختمان به سه دسته تقسیم می‌شود: ساده، پیشوندی و ترکیبی.

۱۰- در دیگر گویش‌های ایرانی نیز چنین است، به عنوان مثال در گویش ویدری وند نمود استمرار -e پس از پیش‌فعل‌ها یا پیشوندهای -vâ و -h(u) حذف می‌شود (← رضایی باغ بیدی، ۱۳۸۳: ۲۹).

## ۵-۱ مصدر ساده

مصدرهایی ساده‌اند که از مادهٔ ماضی و علامت مصدری ساخته شده‌اند و عنصر دیگری در ترکیب آنها یافت نمی‌شود. در تاتی تعداد این مصادر اندک است و تقریباً به دوپست<sup>۱۱</sup> مصدر ساده می‌رسد: bard-en (بردن)، gat-an (گرفتن)، mard-en (مردن)، kəšt-en (کشتن) و dəziy-en (دزدیدن).

## ۵-۲ مصدر پیشوندی

مصدرهای پیشوندی از مادهٔ ماضی و یک پیشوند فعلی و علامت مصدری ساخته می‌شوند. پیشوندهای فعلی تاتی عبارتند از: -â-, -ji-, -bar-, -da-, -pe-, -e-. در تاتی دروی بیش از ۴۲۰ (چهار صد و بیست) فعل پیشوندی وجود دارد. (نگاه کردن به بالا)، pe-diyašt-en، bar-kard-en (بیرون کردن)، e-diyašt-en (نگاه کردن به پایین)، â-kard-en (باز کردن) و da-ši[y]-en (وارد شدن).

## ۵-۳ مصدرهای ترکیبی

در تاتی مصدرهای ترکیبی از ترکیب اسم، صفت یا قید، با شکل ساده و یا پیشوندی مصدرهایی نظیر: kard-en (کردن)، (â-)bi-en (بودن/شدن)، za-en (زدن)، gat-en (گرفتن) و ... ساخته می‌شوند: tar kard-en (قهر کردن)، âv â-gat-en (آب کشیدن)، šəl â-bi[y]-en (شل شدن).

در تاتی اگر جزء فعلی یک فعل ترکیبی، متعددی باشد، همانند فعل متعددی صرف می‌شود، حتی اگر فعل مرکب در معنا لازم باشد؛ ولی اگر جزء فعلی لازم باشد، قواعد فعل لازم در آن اجرا می‌شود. مثلاً kard-en «کردن» اگرچه متعددی است اما tar kard-en (قهر کردن) و dəq da-kard-en (دق کردن)، که فعل لازم‌اند، با قواعد متعددی صرف می‌شوند، و در ماضی دارای ساخت ارگتیو خواهند بود.

## ۶- صفت مفعولی

صفت مفعولی از ترکیب ماده ماضی به همراه پسوند -a ساخته می‌شود: vât-a (گفته)، nəšt-a (نشسته)، âma (آمده)، viyand-a (فرستاده)، bar-genəs-a (افتاده).

دام‌های زاییده را بیرون برده‌اند. zand-a mâl-ân-əšân bar-kard-a.  
سنگ غلت‌خورده به پهلویش خورده است. vašt-a səg ča tak-ə gənəs-a.

## ۷- وندهای فعلی

## ۷-۱ وند استمرار -i و -kərâ

وند استمرار -i همراه افعال ماضی استمراری، ماضی استمراری تمنایی و ماضی مستمر، نشانهٔ نمود مستمر است: vin-i-rân (می‌دیدید)، bin-i-rân (اگر می‌دیدید) pə-məj-i-nd (به بالا می‌رفتند)، kərâ zan-i-š (داشتی می‌زدی)؛

۱۱- آمار افعال ساده و پیشوندی را نگارنده طبق یک برآورد آماری به دست آورده است.

وند *kərâ* همراه فعل‌های ماضی مستمر و مضارع مستمر وند نمود مستمر است: *kərâ vij-i-mân* (داشتیم غربال می‌کردم)، *kərâ-vâr-ənd* (دارند می‌آورند).

#### ۲-۷ وند وجه *b(v)-, bâ-, â-bay-*

وند *b(v)-* در آغاز ماضی ساده<sup>۱۲</sup> وند وجه اخباری است: *bə-nəšt* (نشست)، *bə-gən-əs* (افتاد، برخورد کرد)، *bə-ard* (> *bə-hard*) (خورد)؛ در اول فعل مضارع التزامی، وند وجه التزامی: *bə-bar-əm* (ببرم)، *bə-sâzə-m* (بسازم)؛ و در آغاز فعل امر، وجه امری می‌سازد: *bə-kan* (بکن)، *ba* (< *har*) (بخور).  
 وندهای *bâ-, â-, bay-* در تاتی وند وجه تمنایی‌اند: *bə-nəš-â-mân* (اگر بنشینیم)، *vind-am bâ* (شاید دیده باشم)، *vinda-m biya bay* (اگر دیده بوده‌ام)؛ وند وجه اخباری، امری و التزامی *b(v)-* وقتی استفاده می‌شود که فعل پیشوندی نباشد، در صورت پیشوندی بودن، پیشوند به جای آن می‌آید: *pe-gat-əm* (برداشتتم)، *pe-gir-âm* (برداریم)، *â-zâr-n* (پاره کن).

#### ۳-۷ وند تأکیدی

افزونه‌های *-â-* و *-e-* در آخر بعضی از فعل‌های وجه اخباری و امری و مضارع التزامی تاتی، نمودنمای تأکیدی‌اند: *zan-m-â* (می‌زنم‌ها!) *ma-tars-e* (نترسییا!). وند *-ən-* نیز در آخر بعضی از فعل‌های وجه امری می‌آید و گاهی القای تأکید می‌کند: *bə-š-ən* (بروی‌ها!)، *ma-nəš-ən* (ننشینی‌ها!).

#### ۴-۷ وند نفی و نهی

وند *m(a)-* برای نفی فعل‌های وجه تمنایی، التزامی و امری به کار می‌رود: *ma-vin-â-š* *xayr* (خیر نبینی)، *harda-r-ma-bu* (نخورده باشی)، *ma-pej* (نپز)، *ma-vəsənj* (قطع و پاره نکن).  
 در تاتی وند *n(v)-* برای نفی مصدر و صفت مفعولی فعل‌های وجه اخباری به کار می‌رود: *nə-vâj-a* (نمی‌گویید)، *n-arz-əm* (> *\*nə-harz-əm*) (نمی‌گذارم)، *nə-vrit-en* (ندویدن)، *nə-kard-a* (نکرده).  
 برای ماضی نقلی و ماضی نقلی ابعده وند نفی *ni-* به کار می‌رود: *ni* *harda-mân* (نخورده‌ایم)، *ni-m* *nəšta-biya* (ننشسته بوده‌ام).

۱۲- این وند در آغاز فعل ماضی ساده تاتی، علاوه بر وند وجه، نشانه ماضی بودن فعل است.



در فعل‌های پیشوندی، وند نفی بعد از پیشوند می‌آید: *da-ma-rânj* (نکش)؛ وقتی پیشوند *bar-* باشد، وند نفی وسط آن می‌آید: *ba-nə-r kard-en* (بیرون نکردن)، *ba-ma-r-an*<sup>۱۳</sup> (نیانداز).

#### ۷-۵ وند *say-*

این وند با فعل‌های ماضی استمراری، ماضی استمراری تمنایی، ماضی نقلی غیرمحقق، ماضی نقلی بعید غیر محقق و ماضی مستمر به کار می‌رود و معنای استمرار و گاهی معنی شرط به فعل می‌افزاید:

<i>bənəši-say, hasanə vini say.</i>	(اگر) آنجا می‌نشست، حسن را می‌دید.	استمراری تمنایی
<i>nəšta bāy say-m, man vini(say).</i>	می‌نشسته بودم، او [حتماً] مرا می‌دید.	نقلی غیرمحقق
<i>kəṛā ây-say-nd bân e-gənəs čəmân sarə ku.</i>	داشتند می‌آمدند، بام افتاد سرشان.	ماضی مستمر

(برای کاربرد و معنای دقیق وند *say-* نک: سبزعلی‌پور، ۱۳۸۸، ۳۸).

#### ۸- شناسه‌های فعل

در تاتی چند دسته شناسه به کار می‌رود: شناسه‌های ماضی برای فعل‌های لازم در ساخت‌های ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی التزامی، ماضی بعید و ماضی مستمر به کار می‌رود. شناسه‌های مضارع برای ساخت‌های مضارع اخباری، مضارع و ماضی التزامی، مضارع مستمر و وجه امری به کار می‌رود. شناسه‌های تمنایی برای ساخت فعل‌های ماضی تمنایی، ماضی بعید التزامی، مضارع تمنایی به کار می‌رود. در ساخت افعال ماضی متعدی، به جای شناسه، ضمایر متصل غیرفاعلی به کار می‌روند:

شخص و شمار	شناسه ماضی	شناسه مضارع	شناسه تمنایی <sup>۱۴</sup>	ضمایر متصل غیرفاعلی
اول شخص مفرد	<i>-(i)m</i>	<i>-(ə)m</i>	<i>-âm</i>	<i>-(ə)m</i>
دوم شخص مفرد	<i>-(i)š</i>	<i>-i</i>	<i>-âš</i>	<i>-(ə)r</i>
سوم شخص مفرد	<i>-(ə/e/ø)</i>	<i>-ə</i>	<i>-â</i>	<i>-(ə)š</i>
اول شخص جمع	<i>-(i)mân</i>	<i>-am</i>	<i>-âmân</i>	<i>-(ə)mân</i>
دوم شخص جمع	<i>-(i)rân</i>	<i>-a</i>	<i>-ârân</i>	<i>-(ə)rân</i>
سوم شخص جمع	<i>-(i)ndə</i>	<i>-ən(də)</i>	<i>-ând(ə)</i>	<i>-(ə)šân</i>

تفاوت شناسه‌های ماضی و شناسه‌های تمنایی در سوم شخص مفرد است.

#### ۹- وجه فعل

در تاتی وجه اخباری، امری، التزامی و تمنایی وجود دارد. فعل‌های ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی نقلی ابعاد، ماضی بعید، ماضی استمراری، ماضی مستمر، مضارع اخباری و مضارع مستمر و نیز فعل‌های پی-

۱۳- مصدر *barand-en* (انداختن) در تاتی مصدری پیشوندی است، ماده مضارعش *baran-* و ماده ماضی‌اش *barand-* است.

۱۴- در دوره میانه، شناسه فعل تمنایی در پهلوی اشکانی *-(h)indē-* و در فارسی میانه *-(h)ē-* است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۷۵).

بستی دارای وجه اخباری؛ فعل‌های ماضی استمراری تمنایی، ماضی تمنایی، نقلی غیرمحقق، نقلی بعید غیرمحقق، ماضی تمنایی و مضارع تمنایی دارای وجه تمنایی؛ فعل‌های ماضی التزامی، مضارع التزامی دارای وجه التزامی؛ و فعل‌های فعل امر و نهی دارای وجه امری‌اند.

### ۱۰- نمود فعل

در تاتی فعل دارای دو نمود اصلی (ساده و استمراری) و دو نمود فرعی (آغازی و تأکیدی) است. فعل‌های ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی نقلی ابعاد، ماضی بعید، ماضی تمنایی، ماضی بعید التزامی، نقلی غیرمحقق، بعید نقلی غیرمحقق، ماضی التزامی، مضارع اخباری، مضارع تمنایی، مضارع التزامی، فعل امر و فعل پی‌بستی نمود ساده دارند. ساخت‌های مضارع مستمر، ماضی مستمر، ماضی استمراری و ماضی استمراری تمنایی دارای نمود مستمراند. بعضی از افعال نمود تأکیدی دارند. وند نمود تأکیدی با مثال‌هایی در بخش وند تأکیدی (۷-۳) آمده است.

در این گویش نمود آغازی وند خاصی ندارد، اما افعال شبه‌معین خاصی رایج‌اند که معنای آغازی را به فعل می‌افزایند (← فعل‌های شبه‌معین). در دروی از ترکیب ماضی ساده فعل  $pe-gat-en^{15}$  (برداشتن) با مصدر فعل اصلی، ساخت آغازی به دست می‌آید:

$pe-gat-ə\check{s} d\check{e}ru-en.$

شروع کرد به درو کردن.

$pe-gat-ə-m\grave{a}n s\check{e}g e-d\check{a}št-en.$

شروع کردیم به سنگ پراندن.

### ۱۱- فعل متعدی

در تاتی فعل متعدی مضارع همانند فعل‌های لازم صرف می‌شود، اما متعدی ماضی دارای ساخت ارگتیو است و صرف جداگانه‌ای دارد و طرز ساخت آنها بدین شرح است:

(افزونه ۰-ə) + ضمایر متصل غیرفاعلی + صفت مفعولی / ماده ماضی یا مضارع (b(v)-) →

harda-m\grave{a}n b\grave{e}.	خورده بودیم.	b\grave{a}-gat-ə-m\grave{a}n.	گرفتیم.
za-š.	زده است.	b\grave{a}-za-r.	زدی.
b\grave{a}-n\grave{a}-m.	گذاشتم.	\grave{a}d\grave{a}-r\grave{a}n.	دادید.

برای ساخت ارگتیو در تاتی خلخال نک: رضایتی کیشه‌خاله و سبزعلیپور (← ۱۳۸۶).

### ۱۲- فعل لازم

فعل لازم در تاتی به دو روش زیر ساخته می‌شود:

روش ۱: → (افزونه ۰-ə) شناسه فعل + ماده ماضی یا مضارع (وند وجه و نمود)

روش ۲: → (افزونه ۰-ə) فعل کمکی + صفت مفعولی (وند وجه و نمود)

۱۵- گرچه در تاتی ماده آغازی وجود ندارد، اما فعل‌های فوق نشان دهنده شروع جریان فعلی‌اند و بدین خاطر در این جا با عنوان فعل آغازی ذکر شده‌اند.

روش دوم ویژه افعالی است که از فعل معین استفاده می‌کنند، مثل ماضی بعید و نقلی غیرمحقق و ...

nəšta-y-m.	نشسته‌ام.	bə-nəšt-im.	نشستم.
nəšta bə-bum.	نشسته باشم.	nəš-iš.	می‌نشستی.
kəra nəš-iš.	داشتی می‌نشستی.	nəšta bi-nd-ə.	نشسته بودند.

### ۱۳- زمان فعل

از نظر زمان، فعل‌های تاتی به دو دسته ماضی و مضارع تقسیم می‌شوند، آینده در تاتی ساخت ویژه‌ای ندارد و برای بیان آینده از مضارع اخباری استفاده می‌شود.

### ۱-۱۳ ماضی ساده

ماضی ساده لازم از پیشوند فعلی یا پیشوند وجه با ماده ماضی و شناسه ماضی ساخته می‌شود:

bə-nəšt-imân.	نشستیم.	bə-nəšt-im.	نشستم.
bə-nəštirân.	نشستید.	bə-nəšt-iš.	نشستی.
bə-nəšt-ində.	نشستند.	bə-nəšt.	نشست.

در فعل‌های پیشوندی به جای وند وجه، از پیشوند فعلی استفاده می‌شود، در افعال منفی به جای وند  $b(v)$  از وند نفی  $n(v)$  استفاده می‌شود:

mar yek qorbâghə rā bəlyed. مار یک قورباغه را بلعید.

avə əştan var[y]ân nə-vârd. او بره‌هایش را نیاورد.

در جملات گسترده ارگتیو، وندهای ضمیری معمولاً به اولین کلمه می‌پیوندند، با حذف یا جابه‌جایی به ترتیب به کلمه بعد یا کلمه جایگزین می‌پیوندند و هیچ‌گاه حذف نمی‌شوند، مگر آنکه ضمیر منفصل غیرفاعلی و یا اسم در اول جمله بیاید و در آن موقع، فعل اصلی جمله صرف نمی‌شود:

hasan-əmən nə-vind. حسن را ندیدیم.

ama hasan nə-vind. ما حسن را ندیدیم.

### ۲-۱۳ ماضی نقلی

این ساخت از صفت مفعولی با وند  $y$ - همراه شناسه‌های ماضی ساخته می‌شود:

nəšta-y-mân.	نشسته‌ایم.	nəšta-y-m	نشسته‌ام.
nəšta-y-rân.	نشسته‌اید.	nəšta-y-š.	نشسته‌ای.
nəšta-y-ndə.	نشسته‌اند.	nəšta.	نشسته.

در فعل‌های متعددی این ساخت، از ضمائر شخصی استفاده می‌شود و وند  $y$ - دیگر ظاهر نمی‌شود، وند نفی  $ni$ - در فعل لازم قبل از شناسه و در فعل‌های متعددی قبل از ضمائر متصل غیرفاعلی می‌آید، و اگر این ضمائر قبل از صفت مفعولی ظاهر شوند یا به دلیل ظهور اسم و ضمیر منفصل غیرفاعلی در آغاز جمله، ظاهر نشوند، وند نفی بلافاصله بعد از صفت مفعولی می‌آید:

tə əštə māl bar-karda-ni.  
bar-karda-š-ni.  
halâ raz šiya ni-rân.

تو دامه‌ایت را بیرون نکرده‌ای.  
بیرون نکرده است.  
هنوز باغ نرفته‌اید.

### ۱۳-۳ ماضی نقلی ابعَد

این ساخت از گذشته‌ای بسیار دور و از زمانی حکایت می‌کند که معمولاً گوینده خودش آن را ندیده است، علاوه بر معنا، نشان مخصوصی (biya) نیز دارد که قابل شناسایی است. این ساخت از صفت مفعولی فعل اصلی و biya (صفت مفعولی "بودن") و وند y- با شناسه ماضی ساخته می‌شود:

nəšta biya-y-mân.	نشسته بوده‌ایم.	nəšta biya-y-m.	نشسته بوده‌ام.
nəšta biya-y-rân.	نشسته بوده‌اید.	nəšta biya-y-š.	نشسته بوده‌ای.
nəšta biya-y-ndə.	نشسته بوده‌اند.	nəšta biya.	نشسته بوده.

برای منفی کردن وند نفی ni- بعد از biya ظاهر می‌شود:

جمع کرده بوده‌اند، آنها رسیده‌اند (بعد جمع کردن رسیده‌اند).  
pe-čiya-šân biya, avə â-rasəsa-y-ənə.

### ۱۳-۴ ماضی نقلی غیرمحقق

این ساخت از صفت مفعولی با نمودنمای bay و شناسه ماضی ساخته می‌شود. قسمت شرط این ساخت همیشه ماضی نقلی غیرمحقق و قسمت جواب شرط یا ماضی استمراری یا ماضی بعید است و از دو بخش یکی همیشه منفی است. طرز ساخت آن همانند ماضی نقلی است و فقط وند bay در این ساخت ظاهر می‌شود.

xəta bay-mân, xasta nə-b-i-mân.  
hab-ər harda na-bay, alân marda bi-š.

خوابیده بوده‌ایم، خسته نمی‌شدیم (پس نخوابیده‌ایم).  
قرص نخورده بوده‌ای، الان می‌مردی (پس قرص خورده‌ای).

در فعل منفی وند نفی n(a)- قبل از نمودنمای bay قرار می‌گیرد و قسمت بعدی (جواب شرط) مطابق ساخت آن جمله (ماضی استمراری یا بعید)، منفی می‌شود:

vərīta na bay-rân, araq nə-kar-i-rân.  
vīnda šân nâ-bay, â-nə gard-i-n.

اگر ندویده بوده‌اید که عرق نمی‌کردید (دویده‌اید که عرق می‌کنید).  
اگر ندیده بوده‌اند که برنمی‌گشتند (دیده‌اند که برگشته‌اند).

صرف ماضی نقلی غیرمحقق فعل nəšt-en «نشستن» چنین می‌شود:

nəšta bay-mân	اگر نشسته بوده‌ایم	nəšta bay-m	اگر نشسته بوده‌ام
nəšta bay-rân	اگر نشسته بوده‌اید	nəšta bay-š	اگر نشسته بوده‌ای
nəšta bay-īndə	اگر نشسته بوده‌اند	nəšta bay	اگر نشسته بوده است

### ۱۳-۵ ماضی نقلی بعید غیرمحقق

این ساخت برای بیان عملی به کار می‌رود که در گذشته دور حتماً انجام نشده است و گوینده با آن ابهام یا تصور مخاطب را در مورد انجام کار، از بین می‌برد. هدف این ساخت (مانند نقلی غیرمحقق) اطمینان از

عدم انجام فعل است. این ساخت از صفت مفعولی فعل اصلی و صرف ماضی نقلی غیرمحقق فعل "بودن" ساخته می‌شود و نشانه‌اش هم، *biya* است:

<i>nəšta biya bay-mân</i>	(اگر) می‌نشسته بوده‌ایم	<i>nəšta biya bay-m</i>	(اگر) می‌نشسته بوده‌ام
<i>nəšta biya bay-rân</i>	(اگر) می‌نشسته بوده‌اید	<i>nəšta biya bay-š</i>	(اگر) می‌نشسته بوده‌ای
<i>nəšta biya bay-ndə</i>	(اگر) می‌نشسته بوده‌اند	<i>nəšta biya bay</i>	(اگر) می‌نشسته بوده است

طرز منفی کردن این ساخت مانند نقلی غیرمحقق است، یعنی *وند* -*n(a)* قبل از *bay* می‌آید.

### ۱۳-۶ ماضی تمنایی

این ساخت بیشتر برای بیان آرزو، دعا، شک، تمنا، نفرین و شرط به کار می‌رود. گاهی بین دو ساخت ماضی تمنایی و ماضی التزامی در معنا فرقی وجود ندارد و به جای هم به کار می‌روند. این ساخت از صفت مفعولی و صرف مضارع تمنایی فعل بودن ساخته می‌شود. وجود *وند* -*b(v)* بعد از صفت مفعولی در این ساخت اختیاری است.

<i>nəšta (bə)bâmân.</i>	شاید نشسته باشیم.	<i>nəšta(bə)bâm.</i>	شاید نشسته باشم.
<i>nəšta (bə)bârân.</i>	شاید نشسته باشید.	<i>nəšta (bə)bâš.</i>	شاید نشسته باشی.
<i>nəšta (bə)bând.</i>	شاید نشسته باشند.	<i>nəšta (bə)bâ.</i>	شاید نشسته باشد.

فعل متعدی این ساخت از سوم شخص مفرد مضارع تمنایی «بودن» با ضمایر متصل غیرفاعلی (شخصی) و صفت مفعولی ساخته می‌شود. وجود *وند* -*bə* اختیاری است و در معنا تفاوتی ایجاد نمی‌کند. در شکل منفی *وند* نفی -*ma* قبل از فعل کمکی ظاهر می‌شود.

<i>ilâhi vinda-š ma-bâ.</i>	خدا کند ندیده باشد.
<i>pe-gata-r ma-bâ.</i>	تو برنداشته باشی.
<i>xədə bəkarə šiya mâ-bâ.</i>	خدا کند نرفته باشد.

### ۱۳-۷ ماضی التزامی

این ساخت در تاتی از صفت مفعولی و *وند* تصریفی -*b(v)* همراه صرف مضارع التزامی فعل «بودن» ساخته می‌شود. *وند* تصریفی -*b(v)* در این ساخت اختیاری است:

<i>nəšta (bə)bam.</i>	نشسته باشیم.	<i>nəšta (bə)bum.</i>	نشسته باشم.
<i>nəšta (bə)ba.</i>	نشسته باشید.	<i>nəšta (bə)bi.</i>	نشسته باشی.
<i>nəšta (bə)bund.</i>	نشسته باشند.	<i>nəšta (bə)bu.</i>	نشسته باشد.

در متعدی این ساخت بعد از صفت مفعولی، ضمایر متصل غیرفاعلی به جای شناسه ظاهر می‌شود، *وند* نفی این ساخت -*n(v)* است که به جای *وند* -*b(v)* قبل از فعل کمکی ظاهر می‌شود:

<i>ča ku da-pars šayad vinda-š bə-bu.</i>	از او بپرس شاید دیده باشد.
<i>balkam dəvlângi zanda nə-bu.</i>	شاید دو قلو نزایده باشد.

## ۱۳-۸ ماضی بعید

این ساخت از صفت مفعولی به علاوه صرف ماضی ساده «بودن» ساخته می‌شود. تفاوت بارز ماضی بعید لازم با متعدی در این است که در فعل‌های متعدی سوم شخص مفرد فعل معین «بودن» برای همه شخص‌ها یکسان به کار می‌رود:

harda-mân bə	خورده بودیم.	harda-m bə	خورده بودم.
harda-rân bə	خورده بودید.	harda-r bə	خورده بودی.
harda-šân bə	خورده بودند.	harda-š bə	خورده بود.

فعل «بودن» که در این ساخت، یک فعل کمکی است، در سوم شخص مفرد لازم به صورت b (بود) ظاهر می‌شود، یعنی ɔ- از آخرش تلفظ نمی‌شود: nəšta- b. (نشسته بود). در شکل لازم و متعدی این ساخت، وند نفی -(v)n قبل از فعل کمکی ظاهر می‌شود:

yâ da tâ raz vərīta b.	از اینجا تا باغ دویده بود.
čama kâvi tâ həsâ zanda nə-b.	این گوسفند ماده ما تا حال نزاییده بود.

## ۱۳-۹ ماضی بعید تمنایی

این ساخت آرزو، حسرت، تمنا و شرط را در ماضی می‌رساند و تفاوتش با بقیه در ساخت و در معنی است. معنی‌اش این است که یک فعلی قبل از فعلی دیگر در گذشته دور انجام شده است اما با تمنای چیزی، مثلاً انجام یا عدم آن جام آن کار. صحبت درباره گذشته است و ربطی به حال ندارد و اثرش باقی نمانده است. این ساخت از صفت مفعولی و وند biya به اضافه ماضی ساده سوم شخص مفرد «بودن» به همراه شناسه تمنایی ساخته می‌شود:

nəšta biya b-âmân.	اگر نشسته (بوده) باشیم.	nəšta biya b-âm	اگر نشسته (بوده) باشم.
nəšta biya b-ârân.	اگر نشسته (بوده) باشید.	nəšta biya b-âš	اگر نشسته (بوده) باشی.
nəšta biya b-ânda.	اگر نشسته (بوده) باشند.	nəšta biya b-â	اگر نشسته (بوده) باشد.

در افعال متعدی این ساخت به جای شناسه‌ها، ضمائر شخصی بعد از صفت مفعولی ظاهر می‌شود، وند نفی -(v)n در این ساخت قبل از فعل کمکی می‌آید:

yav harda-š biya bâ, nə-merə.	اگر جو خورده (بوده) باشد، نمی‌میرد.
dəzi-š karda- biya nə-bâ, avə nə-girən.	اگر دزدی نکرده (بوده) باشد، او را نمی‌گیرند.

## ۱۳-۱۰ ماضی استمراری

این ساخت از ماده مضارع<sup>۱۷</sup> به اضافه وند استمرار -i- و شناسه ماضی ساخته می‌شود. صرف ماضی استمراری فعل nəšt-en «نشستن» چنین می‌شود:

۱۶- ذکر "بوده" در معنی این ساخت، صرفاً به این منظور است که معنی لفظ به لفظ عبارات ارائه شود.

۱۷- د ایرانی باستان نیز ماضی استمراری با پیوستن ماده مضارع به شناسه ماضی ساخته می‌شد (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۴۹).

nânəš-i-mân.	می نشستیم.	nəš-i-m.	می نشستم.
nəš-i-rân.	می نشستید.	nəš-i-š.	می نشستی.
nəš-i-ndə.	می نشستند.	nəš-i.	می نشست.

این ساخت ارگتیو ندارند و در موقع منفی کردن وند نفی -n(ə) قبل از ماده مضارع اضافه می‌شود:

har ruz ây andizə diyas-i, ši ka. هر روز می‌آمد آغل دامها را نگاه می‌کرد، می‌رفت خانه.  
 əştan nar-i (<nə-har-i), narzi kasi bari. خودش نمی‌خورد، و نمی‌گذاشت کسی بخورد.

### ۱۱-۱۳ ماضی استمراری تمنایی

این فعل بر مفاهیمی چون شرط، آرزو، تاکید، حسرت و ... در ماضی دلالت می‌کند و برای بیان عملی به کار می‌رود که در گذشته (به استمرار) می‌توانسته انجام شود، انجام نشده، یا نمی‌بایست انجام شود، انجام شده است. یک طرف آن همیشه ماضی استمراری است. در این ساخت ارگتیو وجود ندارد. ساخت این فعل از وند تصریفی -b(v) و صرف ماضی استمراری به دست می‌آید:

bə-nəš-imân	اگر می‌نشستیم	bə-nəš-im	اگر می‌نشستم
bə-nəš-irân	اگر می‌نشستید	bə-nəš-iš	اگر می‌نشستی
bə-nəš-ində	اگر می‌نشستند	bə-nəš-i	اگر می‌نشست

طرز منفی کردن ماضی استمراری تمنایی، یکی از راههای شناخت آن از ماضی استمراری است، یعنی وند نفی این ساخت -m(v) است که قبل از ماده فعل می‌آید، ولی وند نفی دیگری -n(v) است.

ma-nəš-i-mân, e-gən-i-âmn اگر نمی‌نشستیم، می‌افتادیم.  
 tə ma-vin-i, nə-vram-i. ترا نمی‌دید، گریه نمی‌کرد.

در فعل پیشوندی ماضی استمراری تمنایی چون به جای وند تصریفی -b(v) از پیشوند فعلی استفاده می‌شود، شکل ظاهری‌اش با ماضی استمراری پیشوندی یکی می‌شود، فقط جایگاه تکیه آنها متفاوت خواهد بود. جای تکیه ماضی استمراری روی ماده است، اما جای تکیه ماضی استمراری تمنایی بر روی پیشوند است، با این حال شکل منفی این دو ساخت به خاطر دو وند نفی جداگانه، از هم متمایز است.

ماضی استمراری تمنایی		ماضی استمراری	
pe'-gir-i-m.	اگر بر می‌داشتم.	pe-gir'-i-m	بر می‌داشتم.
â-ma-kar-i-m.	اگر باز نمی‌کردم.	â-nə-kar-i-m	باز نمی‌کردم.

### ۱۲-۱۳ ماضی مستمر

این ساخت در تاتی از نمودنمای kərâ و صرف ماضی استمراری ساخته می‌شود. صرف ماضی مستمر فعل nəšt-en «نشستن» چنین می‌شود:

kərâ nəš-imân	داشتیم می‌نشستیم.	kərâ nəš-im	داشتم می‌نشستم.
kərâ nəš-irân	داشتید می‌نشستید.	kərâ nəš-iš	داشتی می‌نشستی.
kərâ nəš-ində	داشتند می‌نشستند.	kərâ nəš-i	داشت می‌نشست.

در این ساخت فعل لازم و متعدی تفاوتی با هم ندارند. طرز منفی کردن<sup>۱۸</sup> آن به این شرح است که وند نفی را قبل از ماده مضارع فعل می‌افزایند، به عبارتی دیگر، همانند ماضی استمراری منفی می‌شود:  
 kərâ-nə-šimân, šəmayrân šam. داشتیم نمی‌رفتیم، شما [که] هستید، می‌رویم.  
 kərâ nə-pej-i, tə-š bind, bə-pat-əš. داشت نمی‌پخت، تو را دید پخت.

### ۱۳-۱۳ مضارع اخباری

این ساخت در تاتی علاوه بر بیان حال برای آینده استفاده می‌شود. مضارع اخباری در تاتی از ماده مضارع بعلاوه شناسه‌های مضارع به دست می‌آید. صرف مضارع اخباری فعل nəšt-en «نشستن» چنین است:

nəš-a-m.	می‌نشینیم.	nəš-əm.	می‌نشینم.
nəš-a.	می‌نشینید.	nəš-i.	می‌نشینی.
nəš-ənd.	می‌نشینند.	nəš-ə.	می‌نشیند.

فعل لازم و متعدی در مضارع تفاوتی با هم ندارند، برای منفی کردن این ساخت، وند نفی-(ə)n قبل از ماده مضارع می‌آید و بین فعل ساده، پیشوندی و ترکیبی فرقی از این نظر وجود ندارد، برای بیان خواب در تاتی، گاهی از این ساخت استفاده می‌شود:

yâ vav darmaji-râ ka bar-ənd.	اینجا عروس را دم غروب به خانه می‌برند.
seb hayzə, xalav da-kar-ə, šu zami.	صبح بلند می‌شود، لباس می‌پوشد، می‌رود مزرعه.
ama saba nə-šam ku-pešarâ šam.	ما فردا نمی‌رویم کوه، پس فردا می‌رویم.
čə vin-əm, vin-əm raz-i ku da-šum.	چه می‌بینم [در خواب]، می‌بینم وارد باغی می‌شوم.

امروزه گاهی دیده می‌شود که برای بیان مضارع اخباری از فعل مضارع مستمر استفاده می‌کنند.

### ۱۴-۱۳ مضارع تمنایی

این ساخت بیشتر برای بیان آرزو، دعا، شک، تمنا، نفرین و شرط به کار می‌رود، برای بیان آینده هم، گاه از این ساخت استفاده می‌شود. مواقعی بین دو ساخت مضارع تمنایی و مضارع التزامی در معنا فرقی وجود ندارد و به جای هم به کار می‌روند. مضارع تمنایی در تاتی از وند وجه-(v)b و ماده مضارع به همراه شناسه‌های تمنایی ساخته می‌شود.

bə-nəš-â-mân.	بنشینیم.	bə-nəš-â-m	بنشینم.
bə-nəš-â-rân.	بنشینید.	bə-nəš-â-š	بنشینی.
bə-nəš-ân(də).	بنشینند.	bə-nəš-â	بنشیند.

۱۸- در زبان فارسی منفی ماضی مستمر رواج ندارد و به جایش منفی ماضی استمراری به کار می‌رود. مثلاً نداشتیم نمی‌خوردم رایج نیست و به جایش نمی‌خوردم می‌آید و برای نفی مضارع مستمر نیز از مضارع اخباری استفاده می‌شود.



برای منفی کردن وند نفی -m(a) به جای وند وجه ظاهر می‌شود. بین شکل منفی مضارع التزامی و منفی مضارع اخباری تمایزی نیست و بدان خاطر استفاده از تکیه در آنجا ضروری به نظر می‌رسد، اما در مضارع تمنایی چنین مشکلی نیست، چون شکل ویژه نفی این فعل نشانه تمایز آن از بقیه است:

ا[غذایت] از حفره‌های دماغت بیرون بریزاد. *əštə-vəniya xəlân ku bə-čər-â*  
دستت رنگ حنا نبیناد. *əštə das xəne rangə ma-vin-â*  
[ان شاء الله] در عروسش بخوریم. *ča arusi râ bar-â-mân*

شکل منفی مضارع تمنایی برای نوعی نهی تأکیدی به کار می‌رود، یعنی علاوه بر ایراد معنای تمنا، معنای نهی تأکیدی را نیز می‌رساند<sup>۱۹</sup> (← وند تأکیدی). *ma-gir-â-š!* (نگیری‌ها!) *ma-xruš-â-š!* (نفروشی‌ها!). این ساخت گاه برای بیان آینده استفاده می‌شود، بدین صورت که عمل نه در حال، بلکه در آینده انجام خواهد گرفت: *saba bəš-âš ča var, hiči ma-vâj.* فردا رفتی پیش او، چیزی نگو.  
اگر بعداً دیدیم، می‌گوییم. *badan binâ-mân (<\*bə-vin-â- mân), vâj-am.*

### ۱۳-۱۵ مضارع التزامی

مضارع التزامی در تاتی از وند تصریفی -b(v) و ماده مضارع به همراه شناسه‌های اولیه ساخته می‌شود، صرف مضارع التزامی فعل *nəšt-en* «نشستن» چنین است:

<i>bə-nəš-am.</i>	شاید بنشینیم.	<i>bə-nəš-ə-m.</i>	شاید بنشینم.
<i>bə-nəš-a.</i>	شاید بنشینید.	<i>bə-nəš-i.</i>	شاید بنشینی.
<i>bə-nəš-ən(də).</i>	شاید بنشینند.	<i>bə-nəš-ə.</i>	شاید بنشیند.

در فعل‌های پیشوندی مضارع التزامی به جای پیشوند وجه از پیشوند فعلی استفاده می‌شود و تفاوت فعل پیشوندی مضارع اخباری با فعل پیشوندی مضارع التزامی در جای تکیه این دو است، یعنی در مضارع التزامی تکیه بر پیشوند فعلی و در مضارع اخباری، تکیه روی ماده مضارع است:

مضارع اخباری	فعل	مضارع التزامی	فعل
<i>e-š'-um.</i>	می‌روم پایین.	<i>e'-š'-um.</i>	شاید بروم پایین.
<i>ji-kar'-am.</i>	پهن می‌کنم.	<i>ji'-kar'-am.</i>	شاید پهن کنم.

همچنین در منفی افعال ساده این ساخت تکیه بر وند نفی و در مضارع اخباری منفی تکیه بر شناسه است:  
*nə'-vin-a* (شاید نبینید)، *nə-vin-a'* (نمی‌بینید).

۱۹- زبان‌ها و گویش‌های دیگر ایرانی نیز در این نکته سهیم‌اند، مثلاً در زبان فارسی «نگیری» شکل منفی مضارع التزامی و نیز نهی تأکیدی است. و در تالشی مرکزی (رضایتی، ۱۳۸۶: ۸۶) «*ma-xəs-â-š*» (نخواهی) که شکل منفی مضارع تمنایی است، برای نهی تأکیدی نیز به کار می‌رود.

## ۱۳-۱۶ مضارع مستمر

در این گویش فعل مضارع مستمر از وند *kərâ-* و صرف مضارع اخباری به دست می‌آید. صرف مصدر *nəšt-en* (نشستن) چنین است

<i>kərâ nəš-am.</i>	داریم می‌نشینیم.	<i>kərâ nəš-əm</i>	دارم می‌نشینم.
<i>kərâ nəš-a.</i>	دارید می‌نشینید.	<i>kərâ nəš-ai</i>	داری می‌نشینی.
<i>kərâ nəš-əndə.</i>	دارند می‌نشینند.	<i>kərâ nəš-ə</i>	دارد می‌نشیند.

در فعل‌های ترکیبی و پیشوندی، جزء غیرفعلی و پیشوند بعد از نمودنما قرار می‌گیرند، وند نفی-*n(v)* قبل از ماده مضارع قرار می‌گیرد، وقتی پیشوند فعلی *bar-* باشد، وند نفی وسط آن می‌نشیند.  
دارم جوراب نمی‌پوشم. *kərâ guray da-nə-kar-əm.*  
دارند بیرون نمی‌ریزند. *kərâ berun ba-nə-r kar-ənd.*

## ۱۴-فعل امر

فعل امر در تاتی از پیشوند تصریفی *b(v)* یا پیشوند اشتقاقی و ماده مضارع به دست می‌آید. فعل امر دو صیغه دارد: مفرد، که بدون شناسه است و جمع، که شناسه‌اش *-a* است، به امر جمع فعل‌هایی که ماده مضارع‌شان مختوم به مصوت باشد، هنگام پیوستن به شناسه جمع، یک واج میانجی اضافه می‌شود. از امر مفرد بعضی از فعل‌هایی که ماده مضارع آنها مختوم به *-r* است، همخوان *-r* حذف می‌گردد، و در صیغه جمع فعل‌های فوق، همخوان *-r* برمی‌گردد:

معنی	مصدر	ماده مضارع	مفرد	جمع
افکندن	<i>avand-en</i>	<i>avan</i>	<i>b-avan</i>	<i>b-avan-a</i>
نهادن	<i>nâ-n</i>	<i>na</i>	<i>bə-na</i>	<i>bə-na-[y]a</i>
کردن	<i>kard-en</i>	<i>kar</i>	<i>bə-ka</i>	<i>bə-kara</i>

در فعل پیشوندی به جای *b(v)*، پیشوند اشتقاقی می‌آید. در آخر بعضی از فعل‌های امر، همخوان *-n* می‌آید، اما در ماده مضارع آنها این همخوان وجود ندارد و احتمالاً به قیاس با *-n* ماده مضارع‌ساز ایجاد شده باشد<sup>۲۰</sup>:

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
مخفی شدن	<i>ji-xət-en</i>	<i>ji-xəs</i>	<i>ji-xəs</i>
بیرون آوردن	<i>bar-vârd-en</i>	<i>bar-vâr</i>	<i>bar-vâ</i>
رفتن	<i>ši[y]en</i>	<i>š</i>	<i>bə-š / bə-š-ən</i>
گفتن	<i>vât-en</i>	<i>vâj</i>	<i>bâj-ən (* &lt;bə-vâj-ən)</i>

۲۰- هنینگ هنگام بررسی ماده‌های مضارع، ماضی و التزامی هرزنی به موردی اشاره کرده است که *-n* در پایان برخی ماده‌های مضارع اضافه می‌شود، مانند: «شدن» *šənd* «کردن» و اصلشان را نامعلوم دانسته است (۱۳۸۵: ۳۳۲) یارشاطر در تاتی شاهرود (۱۹۵۹: ۵۹) در این مورد نوشته ظاهراً وقتی وند تصریفی و ماده فعل با هم یک هجا تشکیل دهند، *-en* به آخر فعل امر مفرد اضافه می‌شود: *bājen* «بگو»، *bešen* «برو». این دقیق نمی‌نماید، و وجود فعل‌های امر پیشوندی چون: *pe-rânj-ən* «بکش بالا»، *pe-gir-ən* «بردار» و *bar-kar-en* «بیرون کن» این را رد می‌کند.

## ۱۵- فعل معین بودن و شدن

تنها فعل معین تاتی *bi-en* «بودن» است، این مصدر علاوه بر شکل پی‌بستی و ربطی، به عنوان فعل معین در صرف فعل‌های ماضی تمنایی، ماضی التزامی، ماضی بعید، نقلی بعید غیرمحقق، ماضی بعید تمنایی و فعل‌های غیرشخصی استفاده می‌شود. روش ساخت فعل *bi-en* همانند دیگر فعل‌ها است و در ساخت‌های مختلف صرف می‌شود. فقط در ماضی ساده وند وجه *b(v)* در اولش نمی‌آید. شکل مضارع این فعل *es* (هست) تنها فعلی است که در تاتی فقط در ساخت مضارع اخباری صرف می‌شود<sup>۲۱</sup>، شکل صرف شده ماضی و مضارع این فعل چنین است:

امر مفرد و جمع	مضارع التزامی	ماضی ساده	مضارع اخباری			بودن
			پی‌بستی	منفی	مثبت	
-----	<i>bə-bum</i>	<i>bim</i>	<i>-im</i>	<i>nim</i>	<i>esim</i>	اول شخص مفرد
<i>bə-b/ bə-baš</i>	<i>bə-bi</i>	<i>biš</i>	<i>-iš</i>	<i>niš</i>	<i>esiš</i>	دوم شخص مفرد
-----	<i>bə-bu</i>	<i>b-/ bə</i>	<i>-∅</i>	<i>ni</i>	<i>es</i>	سوم شخص مفرد
-----	<i>bə-bam</i>	<i>bimân</i>	<i>-imân</i>	<i>nimân</i>	<i>esimân</i>	اول شخص جمع
<i>bə-ba</i>	<i>bə-ba</i>	<i>birân</i>	<i>-irân</i>	<i>nirân</i>	<i>esirân</i>	دوم شخص جمع
-----	<i>bə-bundə</i>	<i>bində</i>	<i>-ində</i>	<i>nində</i>	<i>esində</i>	دوم شخص جمع

## ۱۶- فعل‌های شبه‌معین

فعل‌های شبه‌معین تاتی عبارت‌اند از: *šâs-en* (توانستن)، *bi/ basi /biri* (بایستن)، *pirâsen* و *xâssen* (بایستن)، *nə-karə /ma-karə /bə-karə* (نکند/ بکند (مبادا، بادا)، *pe-gat-en* (برداشتن، شروع کردن)، *bu* (امکان داشتن). در زیر هر کدام در جمله‌ای آمده‌اند:

*az nə-šâm bəšum raz.*

من نمی‌توانم بروم باغ.

*tə nə-bi taynayı ku da bə-nderi*

تو نباید تنهایی در کوه بمانی.

*tə nə-xây yâ bə-nəši.*

تو نمی‌خواهم این جا بنشینی.

*ma-karə bayzə ba ka.*

نکند بلند شود بیاید خانه.

*tâ ârasəs tanga sar pe-gat-əš dəšmân.*

تا رسید سر کوچه شروع کرد به فحش دادن.

*bu čama gâv dəvlângi bə-zâ.*

می‌شود گاو ما دوقلو بزاید.

(پایان مقاله).

۲۱- گرچه در تاتی ساخت‌هایی از این فعل در ماضی ساده به کار می‌رود مانند: *es bim* (بودم)، *es biš* (بودی) و ... اما به دلیل اینکه فعل *bien* در اینجا صرف می‌شود، باید *es* را در این جملات نه فعل مستقل بلکه یک صفت اسنادی حساب کرد.

## منابع:

- آرادگلی، ماری (۱۳۴۹)، بررسی واج‌شناسی گویش تاتی دهکده کجل (خلخال) براساس روش‌های نوین زبان‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران؛
- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی (۱۳۸۲)، زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن، انتشارات معین، تهران؛
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۳)، ماده‌های فعل‌های فارسی دری، انتشارات ققنوس، تهران؛
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳)، دستور تاریخی زبان فارسی، انتشارات سمت، تهران؛
- اشمیت، رودیگر (۱۳۸۳)، راهنمای زبان‌های ایرانی (۲جلد)، ترجمه فارسی زیر نظر حسن رضایی باغبیدی، ققنوس، تهران؛
- اصغری، احمد (۱۳۸۵)، «فعل در گویش تاتی کلاسور (kalāsūr)»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ۴۹، شماره مسلسل ۱۹۸، بهار، ص ۲۵-۱؛
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم (۱۳۸۶)، زبان تالشی، انتشارات فرهنگ ایلیا، رشت؛
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و جهان‌دوست سبزیلیپور (۱۳۸۶)، «ساخت ارگتیو در گویش تاتی خلخال»، فصلنامه ادب پژوهی، سال اول، شماره اول، ص ۸۹-۱۰۵؛
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و جهان‌دوست سبزیلیپور (۱۳۸۶)، «بررسی ریشه و ماده افعال در گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی»، فصلنامه ادب پژوهی، سال دوم، شماره ۶، ص ۱۱۱-۱۳۲؛
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۵) راهنمای زبان پارتی (پهلوی اشکانی)، ققنوس، تهران؛
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳)، «گویش ویدری»، مجله گویش‌شناسی، جلد اول، شماره سوم، ص ۲۰-۳۸؛
- سبزیلیپور، جهان‌دوست (۱۳۸۸)، بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی، رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان؛
- صفرزاده، حبیب (۱۳۸۲)، گویش تاتی شمال خراسان، سخن‌گستر، مشهد؛
- معراجی لرد، جواد (۱۳۷۷)، فرهنگ موضوعی تاتی به فارسی، رشت، بلور؛
- هنینگ، و.ب. (۱۳۸۵)، «زبان کهن آذربایجان»، ترجمه بهمن سرکاراتی، مجله نامه فرهنگستان، سال اول، شماره ۱، ص ۳۱۵-۳۴۰؛
- یحیی‌زاده، سید اکبر (۱۳۸۲)، بررسی زبان‌شناختی گویش تاتی شاهرود خلخال، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شیراز؛

- A. Yar-Shatter (1969), *A Grammar of Southern Tati Dialects*, The Hague Paris;  
 ----- (1960), "The Tati Dialect of Kajal", *BSOAS*, 23, pp. 275-286;  
 ----- (1959), "The Dialect of Shahrud (Khalkhal)", *BSOAS*, XXII 22, 52-68;  
<http://www.amar.org.ir> (درگاه ملی آمار)